

باب دوم - حجت ظهور بعد

از قلم مبارک جمال قدم جل جلاله نازل شده قوله تعالی :
 “ در این حین تلقاء عرش احضار شدم فرمودند بچه مشغول بودی معروض داشتیم کلماتی در جواب اعتراضات هیکل جحیم مینوشتیم لسان الله متکلم که بنویس اما سمعت بان حجتی ذاتی و برهانی نفسی و دلیلی ظهوری و ما جری من قلمی سبیل لعرفانی الذی لن یفوز به الا الذین هم انقطعوا عن کلتی و مروا عن الدنیا و ما خلق فیها کمر السحاب حجتهم ظهورات قدرتیهم بوده که احاطه فرموده کل من فی السموات و الارض را و آیاترا سبیلی از برای عرفانم قرار دادم فضلا من لدنا علی العالمین و چون ظهور قبل حجت این ظهور اقدس امنع ابهی را آیات قرار فرمود لذا از سماء مشیت آیات نازل فرمودیم و حجت قرار دادیم برای کل من فی السموات و الارض و تا اینظهور آیات وحده حجت بر کل بوده چه که در کل کتب قبل این حکم را نازل فرمودیم اگر چه در این ظهور کل آیات قدرتی و حجج باهره و آیات بدیعه و ظهورات عظیمه و شؤونات الهیه ظاهر شده کل ذلك فضلا من لدنا علی الخلائق اجمعین و لکن از بعد امر بید الله بوده تا چه را حجت از برای مظاهر بعد قرار فرماید فسوف ننزل حکمه فی الالواح و انا علی کل شیء حاکمین کل الامور فی قبضة قدرتنا نفعل ما نشاء و نحکم ما نرید چه که در این ظهور حق جل ذکره اراده فرمود که اکثری از مقبلین مخلصین بآیات تکلم نمایند لذا حجت ظهور بعد را بامر دیگر مقدر خواهیم فرمود لئلا یستکبر کل من یأتی بالکلمات علی الله المقدر العزیز القدیر کما استکبر الذی انطقناه باذنی عما یتکلم به خدام حولی علی الله الذی خلقه و رباه و حفظه عن ضرر مثلائه و عصمه تحت جناح فضله الابدع البدیع كذلك حکمنا فی هذا اللیل و نحکم ما نشاء بامر من لدنا و انا المقدر علی ما نشاء و ما سوائی خلقی ان یا خلقی لا تستکبروا علی الذی حضرت لوجه و جوه اهل ملاً الاعلی و لا تکونن من المستکبرین انتهت کلمات الله الامنع الابدع البدیع ” انتهى